



## پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) برای شرکت های کوچک و متوسط (SMES)

امین مینا جویباری<sup>۱</sup> کامران بابادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه مازندران

ارتباط با نویسنده: Babadi89@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۷، تاریخ انجام اصلاحات: ۱۳۹۷/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

### Adoption of the International Financial Reporting Standards (IFRS) for Small and Medium Enterprises (SMES)

Amin Mina jouybari<sup>1</sup>, Kamran Babadi<sup>2</sup>

1-Master of Accounting at University of Mazandaran (Corresponding Author.)

2-Master of Accounting at University of Mazandaran .

Email: babadi89@yahoo.com

Received 29/08/2018, Revised 09/09/2018, Accepted 11/09/2018

#### چکیده

با توجه به شرایط فعلی بازار در جهان، شرکت های کوچک و متوسط در معرض توجه بسیاری از سرمایه گذاران قرار دارند. در نتیجه این شرکت ها در برخی از کشورها به تهیه و ارائه گزارشگری مبتنی بر استانداردهای بین المللی اقدام کردند. این پژوهش با رویکردی نقادانه گزارشگری بین المللی را برای این نوع شرکت ها بررسی می کند. علاوه بر این تلاش دارد تا چارچوب نظری مفیدی برای تصمیم گیری بهتر نسبت به توسعه و پیاده سازی استاندارد های بین المللی در قالب گزارشگری در شرکت های کوچک و متوسط ایجاد نماید. انتظار می رود نتایج این تحقیق بتواند تا حد زیادی تحلیل های صورت گرفته پیرامون گزارشگری بر مبنای استاندارد های بین المللی را برای شرکت های کوچک و متوسط اصلاح نماید. چراکه به نظر می رسد بعد از پذیرش کامل استانداردهای بین المللی در شرکت های بزرگ در ایران، نوبت به شرکت های کوچک و متوسط نیز خواهد رسید.

**کلمات کلیدی:** استانداردهای بین المللی، شرکت کوچک و متوسط، گزارشگری شرکتی، پاسخگویی

### مقدمه

در حال حاضر بسیاری از شرکت‌ها به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی<sup>۱</sup> روی آوردند و آن را یکی از راه‌حل‌های اساسی برای پاسخگویی می‌دانند، این در حالی است که پذیرش آن را برای شرکت‌های کوچک و متوسط پرهزینه، دشوار و پیچیده قلمداد می‌کنند. به همین دلیل، این نوع گزارشگری کمتر برای شرکت‌های کوچک مورد توجه قرار گرفته است (دانگ و دو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ فرنلی و هینس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷؛ تیرال و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷) در همین راستا هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری در تلاش است تا نسخه‌ای ساده‌تر از استاندارد بین‌المللی را برای این نوع شرکت‌ها تهیه کرده تا از این طریق کیفیت افشا را افزایش دهد. این هیئت فرض می‌کند، اگرچه شرکت‌های کوچک و متوسط نیاز به پاسخگویی عمومی ندارند اما دارای اهدافی عمومی می‌باشند که تحقق آن برای ارائه صورت‌های مالی و استفاده کاربران دیگر لازم است (هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹) توجه به این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که بسیاری از شرکت‌های جهان را همین شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل داده و در واقع حیات بسیاری از شرکت‌های اقتصادی توسعه یافته یا در حال توسعه به آن وابسته است (آلپ و یوسونداگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹) کمیته تدوین استاندارد حسابداری بر این باور است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری برای شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند دسترسی آنها به امور مالی بین‌المللی از طریق اطلاعات مالی با کیفیت بالا و سازماندهی شده را افزایش دهد. همچنین می‌تواند قابلیت مقایسه اطلاعات مالی میان شرکت‌های جهان را بهبود بخشد (هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). در نتیجه انتظار می‌رود پذیرش استاندارد بین‌المللی برای این نوع شرکت‌ها مفید و مؤثر باشد. توماتسو معتقد است که بسیاری از کشورها باید برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط خود اقدام کنند. او بر این باور است که هرگونه اقدامی در این زمینه منوط به آشنایی کامل با چارچوب نظری و اهداف این نوع گزارشگری است. این درحالی است که تعدادی از کشورها مانند استرالیا معتقدند که استانداردهای بین‌المللی برای شرکت‌های کوچک و متوسط پیچیده، سخت و غیرضروری بوده و با اهداف ساده‌سازی گزارش‌های مالی در تناقض

---

<sup>1</sup> IFRS

<sup>2</sup> Dang & Duc

<sup>3</sup> Fearnley & Hines

<sup>4</sup> Tyrrall et al

<sup>5</sup> IASB

<sup>6</sup> Alp & Ustundag



است (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری استرالیا،<sup>۲</sup> ۲۰۱۰). چاند و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) بر این باورند که اجرا و پذیرش استانداردهای بین المللی نیازمند یک مکانیزم بین المللی برای پشتیبانی از آن است که فقدان آن، چالش‌هایی را برای پذیرش استاندارد ایجاد کرده است (آپ و یوسدانگ، ۲۰۰۹). نکته حائز اهمیت این است که هدف هیئت تدوین استانداردهای حسابداری برای پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین افزایش کیفیت گزارشگری می‌باشد.

به طور کلی تحقیقات گذشته به دنبال بررسی این موضوع بودند که پذیرش استاندارد بین المللی چه نتایجی برای شرکت‌هایی با پاسخگویی عمومی به دنبال دارد و کمتر به شرکت‌های کوچک و متوسط توجه شده است. به همین دلیل انجام تحقیقات بیشتر در زمینه پذیرش استانداردها برای شرکت‌هایی، با پاسخگویی غیرعمومی لازم و ضروری به نظر می‌رسد (ایوانس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵) در ایران نیز از آنجا که به تازگی برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به ارائه صورت‌های مالی خود بر اساس استانداردهای بین المللی موظف شدند، بحث پیرامون مزایا و چالش‌های پذیرش آن در محافل دانشگاهی و اجرایی بسیار می‌باشد. در نتیجه به نظر می‌رسد بعد از الزام تمامی شرکت‌های بزرگ به پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی در ایران، نوبت به شرکت‌های کوچک و متوسط نیز خواهد رسید. بر همین اساس این تحقیق در نظر دارد تا به طور مروری شرایط و رویکردهای متفاوت در پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط را ارائه کرده و پیامدهای پذیرش آن را بررسی نمایند.

## مبانی نظری

### چارچوب قانونی حسابداری برای شرکت‌های کوچک و متوسط

به طور کلی این چنین فرض می‌شود که صرف نظر از اندازه شرکت‌ها، وجود اطلاعات حسابداری شفاف منجر به مدیریت موفق و بقا در بازار می‌گردد (اتحادیه اروپا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). از آنجا که شرکت‌های کوچک و متوسط از برخی الزامات حسابداری معاف هستند، ناگزیر به استفاده از

<sup>1</sup> AASB

<sup>2</sup> Chand et al

<sup>3</sup> Evans et al

<sup>4</sup> EC



استانداردهای ساده تری می‌باشند در نتیجه، پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای آنها پرچالش و پیچیده خواهد بود. به همین دلیل نیاز به ارائه یک مجموعه ساده تر از نسخه اصلی برای شرکت‌های کوچک و متوسط موضوع بحث بسیاری از حوزه‌های حسابداری و مالی قرار گرفت. در پاسخ به این نیاز هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری جولای ۲۰۰۹ نسخه‌ای برای شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه کرد. هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری معتقد است، قابلیت مقایسه وضعیت مالی این شرکت‌ها با پذیرش این نسخه افزایش خواهد یافت، این هیئت بر این باور است که نسخه ساده استاندارد بین‌المللی می‌تواند نیازهای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی و هزینه‌فایده شرکت‌های کوچک و متوسط را منعکس کند (هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۹).

هدف هیئت تدوین استاندارد بین‌المللی از ارائه یک چارچوب قانونی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، توجه به مفهوم استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی است. این موضوع که پذیرش استاندارد بین‌المللی برای **SMES** ها سودمند بوده، مورد تأکید قرار گرفته و به دنبال ارائه یک الگوی جدید بر اساس نظریه سودمندی برای تصمیم‌گیری است تا تمرکز سنتی بر گزارشگری مالی را تغییر دهد.

نظریه سودمندی برای تصمیم‌گیری فرض می‌کند که هدف حسابداری، کمک به فرآیند تصمیم‌گیری مناسب "استفاده‌کنندگان" از گزارش‌های حسابرسی با ارائه اطلاعات مفید و مرتبط است (گادفری و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). این نظریه یک چارچوب منطقی به منظور استدلال از اصول و شیوه‌های حسابداری ارائه می‌دهد. در هنگام تدوین استاندارد گزارشگری مالی نظریه سودمندی در تصمیم‌گیری، یک معیار مهم در انتخاب نحوه عمل مناسب حسابداری بوده است که مطابق با اطلاعات مورد نیاز کاربران است (چن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). ایده انقلابی دیگر از معرفی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، ارتقای دسترسی آنها به منابع مالی خارجی از طریق صورتهای مالی با کیفیت بالا است. همچنان که براساس نظریه سلسله مراتب پیشنهاد شده، نهادها منابع مالی خود را در یک سلسله مراتبی به ترتیب اولویت از منابع داخلی، تأمین مالی و ایجاد سرمایه با فروش سهام اولویت بندی کنند. بر طبق این نظریه، عدم تقارن اطلاعات بر انتخاب بین منابع مالی داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارد (مایرز<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴).

<sup>1</sup> Godfrey et al

<sup>2</sup> Chen

<sup>3</sup> Myers



## تعریف شرکتهای کوچک و متوسط

بطور کلی، ادعا می‌شود که هیچ تعریف مورد توافقی برای شرکتهای کوچک و متوسط وجود ندارد. در واقع، پذیرش تعریف جهانی برای این شرکتها به دلیل تفاوت در اندازه، فرهنگ و وضعیت توسعه اقتصادی که شرکتهای کوچک و متوسط (SMES) در آن قرار دارند، مشکل است (کوشنر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰).

گیبسون و وارت<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) توانستند یک فرمول کمی برای تعریف شرکتهای کوچک و متوسط ارائه دهند که درآمد حاصل از یک شرکت و زمینههای اقتصادی کشور خاص را که شرکت در آن حضور دارد، محاسبه می‌کند. عناصر اقتصادی (درآمد ناخالص ملی و برابری قدرت خرید) گنجانده شده در این فرمول، منجر به ایجاد یک رویکرد پایدار و مطمئن برای تعریف شرکتهای کوچک و متوسط در سراسر کشورها شده و قابلیت مقایسه بین شرکتهای کوچک و متوسط در حال فعالیت در بازار جهانی، بهبود می‌بخشد.

اتحادیه اروپا، بانک جهانی و سازمان ملل متحد شرکتهای کوچک و متوسط را براساس اندازه، تعداد کارمندان و یا ارزش کل دارایی تعریف می‌کنند (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۳). برای نمونه اتحادیه اروپا در بیانیه خود شرکتهای کوچک را در سه گروه طبقه بندی می‌نماید. گروه اول شرکت‌هایی هستند که دارای تعداد کارمندان کمتر ۲۵۰ نفر با گردش مالی سالانه کمتر یا مساوی ۵۰ میلیون یورو هستند. گروه دوم متعلق به شرکتهایی است که دارای تعداد کارمندان کمتر ۵۰ نفر و گردش مالی سالانه کمتر یا مساوی ۱۰ میلیون یورو هستند و گروه آخر از شرکتهای کوچک را، شرکتهایی می‌دانند که دارای تعداد کارمندان کمتر ۱۰ نفر و گردش مالی کمتر از میلیون یورو هستند، تعریف می‌کند (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۳).

بر خلاف اتحادیه اروپا، بانک جهانی طبقه بندی خاصی برای شرکتهای کوچک و متوسط تعیین نکرده و تنها معتقد است شرکتهایی را می‌توان کوچک یا متوسط خواند که حداکثر دارای ۳۰۰ کارمند و گردش مالی سالانه حداکثر ۱۵ میلیون دلار باشند (گیبسون و وارت، ۲۰۰۸). اما در آسیا هیچ تعریف مورد توافقی وجود ندارد و هریک از کشورها ممکن است معیاری را برای تعیین

<sup>1</sup> Kushner

<sup>2</sup> Gibson & Wart



شرکت‌های کوچک و متوسط برگزیده باشند، برای نمونه در استرالیا شرکت‌های کوچکتر دارای حداکثر ۴ کارمند، شرکت‌های کوچک دارای حداکثر ۱۹ کارمند و شرکت‌های متوسط دارای حداکثر ۱۹۹ کارمند تعریف شده است (دیزر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). در کره جنوبی، شرکت‌های کوچک و متوسط را شرکت‌های تولیدی که کمتر از ۳۰۰ کارمند با ارزش سرمایه ۸ میلیون دلار یا کمتر دارند، تعریف می‌کند. آنها شرکت‌های تولیدی کوچک را شرکت‌هایی که دارای ۵۰ کارمند هستند در نظر می‌گیرند (سازمان نظارت بر شرکت‌های کوچک و متوسط کره جنوبی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). در سنگاپور یک تعریف جدید برای شرکت‌های کوچک و متوسط وجود دارد. هیئت تدوین استانداردهای سنگاپور، یک شرکت که در آن گردش مالی سالانه فروش بیشتر از ۱۰۰ میلیون دلار نیست و یا شرکت‌هایی که بیش از ۲۰۰ کارگر استخدام نمی‌کند را کوچک و متوسط در نظر می‌گیرد (هیئت تدوین استانداردها، بهره‌وری و نوآوری سنگاپور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). در ژاپن وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت<sup>۴</sup>، شرکت‌های کوچک و متوسط را در چهار دسته صنعتی تولید، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و خدمات طبقه‌بندی می‌کند و شرکت‌های کوچک یا متوسط را، شرکتی که کمتر از ۳۰۰ نفر استخدام می‌کند و مقدار سرمایه آنها کمتر از ۳۰۰ میلیون ین است، تعریف می‌کند (وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن، ۲۰۱۰). در کانادا نیز، مؤسسه خدمات دولتی (PWGC) شرکت‌های کوچک و متوسط را به عنوان شرکت‌هایی که تعداد کارکنان آن کمتر از ۵۰۰ نفر است، تعریف می‌کند. این میزان برای شرکت‌های کوچک تولیدی کمتر از ۱۰۰ کارمند و برای شرکت‌های خدماتی کمتر از ۵۰ کارمند است (مؤسسه خدمات دولتی کانادا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). اما هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری تعریفی برای شرکت‌های کوچک و متوسط در جولای سال ۲۰۰۹ ارائه داده است. طبق این استاندارد شرکت‌های کوچک و متوسط، واحدهایی هستند که:

۱- پاسخگویی عمومی انجام نمی‌دهند و

۲- هدف کلی آنها انتشار صورت‌های مالی برای کاربران خارجی است. نمونه‌هایی از کاربران خارجی را می‌توان، افرادی که در مدیریت شرکت نقشی ندارند، سرمایه‌گذاران موجود یا بالقوه و ... را نام برد (هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۹).

<sup>1</sup> DIISR

<sup>2</sup> SBC

<sup>3</sup> Singapore Accounting Standards Council

<sup>4</sup> METI

<sup>5</sup> PWGC



در هر حال تعاریف فوق نشان می‌دهد که تعریف از شرکت‌های کوچک و متوسط در جهان دارای تناقض است و شناسایی یک شرکت به عنوان شرکتی کوچک و متوسط در کشورهای مختلف، متفاوت می‌باشد.

### اهمیت شرکت‌های کوچک و متوسط SMES در سراسر جهان

شرکت‌های کوچک و متوسط نقش حیاتی در اقتصاد و توسعه اجتماعی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایفا می‌کنند. مطالعات قبل نشان می‌دهد این شرکت‌ها، بزرگترین ارائه دهنده ی شغل در بسیاری از کشورها هستند. علاوه بر این، سهم شرکت‌های کوچک و متوسط در تولید اقتصادی، فن‌آوری و نوآوری بسیار بالاست (ردی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷ و چن، ۲۰۰۶؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جهانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). بطور مثال، در استرالیا، سهم شرکت‌های کوچک و متوسط در تجارت، اشتغال و مشارکت ۹۹/۷٪ محاسبه شد (دیزر، ۲۰۰۹). نکته مهم این است که، اکثر شرکت‌های کوچک و متوسط استرالیایی ارائه دهنده‌ی منابع برای شرکت‌های تولیدی بزرگ هستند که آمارها حاکی از نقش ۷۰.۵٪ درصدی این شرکت‌ها در اشتغال کل صنعت آن کشور است. (دیزر، ۲۰۱۱).

در کشورها و مناطق دیگر کمک مالی که از طریق شرکت‌های کوچک و متوسط صورت می‌گیرد، نیز قابل توجه است بطور نمونه، شرکت‌های کوچک و متوسط در چین نقش چشمگیری در توسعه اقتصاد خود برای تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ ایفا کردند. این شرکت‌ها حدود ۷۰٪ درصد فرصت‌های شغلی ایجاد شده در سال ۲۰۰۹ را به خود اختصاص دادند (ژو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). در اروپا، شرکت‌های کوچک و متوسط ۶۷٪ کل اشتغال در اروپا را به خود اختصاص دادند (مؤسسه بازرگانی ای‌ای ام<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱).

حقایق فوق تأیید کند که شرکت‌های کوچک و متوسط بعنوان حیاتی‌ترین بخش و ستون فقرات بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه سراسر دنیا قلمداد می‌شوند. بنابراین اطلاعات حسابداری ارائه شده توسط این نهادها بسیار بااهمیت است. پیش بینی می‌شود که همگرایی جهانی، روش‌های گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و متوسط و دسترسی به امور بین‌المللی

<sup>1</sup> Reddy

<sup>2</sup> UNCTAD

<sup>3</sup> Zhu et al

<sup>4</sup> EIM Business and Policy Research





از طریق اطلاعات مالی قابل مقایسه با کیفیت بالا را ایجاد نماید(هیئت تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری، ۲۰۰۹).

### استانداردهای گزارشگری مالی برای شرکتهای کوچک و متوسط در یک نگاه

استانداردهای گزارشگری مالی برای شرکتهای کوچک و متوسط یک نسخه ساده از استاندارد کامل بوده که اصول اساسی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی را حفظ کرده و برای شرکت های کوچک و متوسط، یک سند مستقل، منطقی و سازمان یافته متشکل بر ۳۵ است.

در استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکتهای کوچک و متوسط اصول شناخت و اندازه گیری ساده تر شده اند که این موضوع اصلی ترین تفاوت میان استاندارد کامل با تعدیل شده است. برای نمونه استاندارد شماره ۱۹ با عنوان ترکیب تجاری و سرقفل در استاندارد بین المللی گزارشگری مالی در شرکتهای کوچک و متوسط به طور قابل ملاحظه ای متفاوت است، در استاندارد کامل سرقفل و دارایی های نامشهود در طول عمر مفید خود مستهلک نمی شوند اما در مقابل در شرکتهای کوچک و متوسط سرقفل و دارایی های نامشهود در طول عمر خود مستهلک می شوند و در صورتی که نتوان یک برآورد معقول از عمر مفید در نظر گرفت آن را ۱۰ ساله فرض می کنند(هیئت تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری، ۲۰۰۹؛ ارنست و یانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰).

از آنجا که سالها از ارائه ای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکتهای کوچک و متوسط می گذرد. آمار اخیر نشان می دهد که تقریباً ۷۰ کشور این استاندارد را برای شرکتهای کوچک و متوسط خود پذیرفته اند(استاندارد بین المللی گزارشگری مالی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). در جدول ۱ تعدادی از کشورهایی که استاندارد بین المللی گزارشگری مالی را برای شرکتهای کوچک و متوسط خود پذیرفته اند، نشان می دهد.

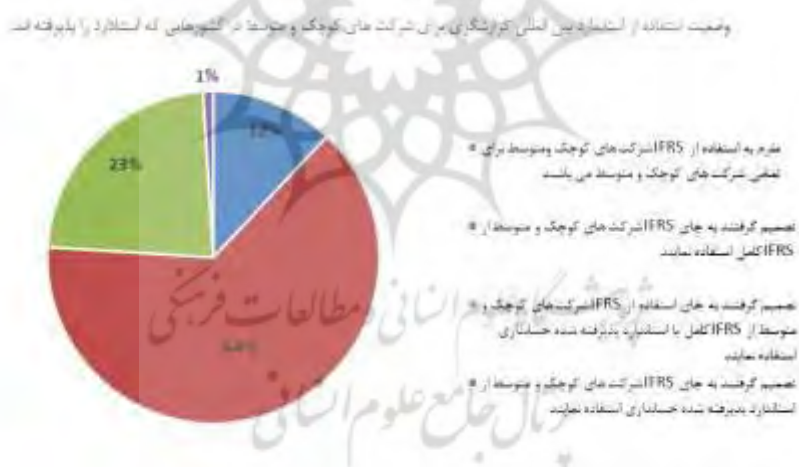
<sup>1</sup> Ernst & Young

<sup>2</sup> IFRS Foundation



کشورها	منطقه
آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، گویان، پرو و ونزوئلا	جنوب آمریکا
آنگولا، آنتیگوا و باربودا، باهاما، باربادوس، دومینیکا، جمهوری دومینیکن، جامائیکا، مونتسرات، سنت لوسیا، سنت گیتس - نویس، ترینیداد و توباگو	کارائیب
بیلز، کاستاریکا، السالوادور، گرانادا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما، سنت وینست و گرنادینها	آمریکای مرکزی
بوتسوانا، غنا، کنیا، لسوتو، موریس، نیجریه، رواندا، سیرالئون، آفریقای جنوبی، سوازیلند، تانزانیا، اوگاندا، زامبیا و زیمباوه	آفریقا
بنگلادش، کمبوجیه، فیجی، هنگ کنگ، مالدیو، میانمار، فیلیپین، سنگاپور و سریلانکا	آسیا
بحرین، عراق، اردن، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و یمن، آذربایجان و ترکیه	خاورمیانه
ارمنستان، گرجستان، هرزگوین، ایرلند، مقدونیه، صربستان، سوئیس و انگلستان	اروپا

**جدول ۱.** کشورهایی که استاندارد گزارشگری مالی را برای شرکت‌های کوچک و متوسط خود پذیرفته‌اند (IFRS, ۲۰۱۴)



**نمودار ۱.** (استاندارد بین المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴)

همانطوری که در نمودار ۱ نشان داده شده‌است، از بین تمامی کشورهایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی را برای شرکت‌های کوچک و متوسط خود پذیرفته‌اند، ۱۲٪ آنها شرکت‌های کوچک و متوسط را ملزم به استفاده از استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و متوسط کردند. ۶۴٪ این کشورها تصمیم گرفتند که به جای IFRS شرکت‌های کوچک و متوسط از IFRS کامل استفاده کنند و ۲۳٪ این کشورها مجاز هستند که از بین استاندارد بین-



المللی گزارشگری مالی یا استاندارد پذیرفته شده حسابداری خود یکی را برگزینند. و تنها ۱٪ از کشورها تصمیم گرفتند به جای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و متوسط از استاندارد پذیرفته شده حسابداری استفاده کنند.

### چالش‌های پیش روی پذیرش استانداردهای بین المللی برای شرکت‌های کوچک و متوسط

بحث پیرامون همگرایی در گزارشگری مالی از زمان آغاز اجرای مجموعه کامل استاندارد بین-المللی گزارشگری مالی وجود داشته است. چندین چالش در ایجاد همگرایی در پذیرش این استانداردها قابل بررسی است (آلپ و یوسدانگ، ۲۰۰۹). با وجود تمام منافع موجود برای پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، نمی توان از چالش‌های پیش رو چشم پوشی کرد. شناسایی این چالش‌ها، موجب می شود تا اقدامات لازم در جهت رفع این چالش‌ها صورت گیرد. موارد عمده‌ی چالش‌های پیش روی پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی شامل موارد زیر می باشد: (شریف حسین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵):

۱. پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به معنای قبول منافع و مزایای مجموعه‌ی کامل از استانداردهای گزارشگری است. در حالیکه آگاهی از این استانداردهای گزارشگری هنوز در میان ذینفعان مانند موسسات، بانک‌ها، بورس، بورس کالا و... وجود ندارد. آگاهی کامل گروه‌ها از این استانداردها کار پیچیده ای است.

۲. سطح پایین آگاهی و عدم دسترسی کافی به آموزش با کیفیت یکی دیگر از چالش‌های موجود است. علاوه بر این اصول اساسی آموزش در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به خصوص در زبان‌های غیر از انگلیسی اندک است. افزون بر آن استفاده‌ی مناسب از الزامات اندازه‌گیری خاص در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به کارشناسان خبره در حوزه‌های دیگر مانند اکچوئری، ارزیابی املاک و... نیاز دارد.

۳. شکاف دانش میان حسابداران حرفه‌ای، تنظیم‌کنندگان و تهیه‌کنندگان استانداردهای بین-المللی گزارشگری مالی وجود دارد.

<sup>1</sup> Sharif hossein et al



۴. اجرای استاندارد مستلزم هزینه‌های اضافی برای حصول اطمینان از انطباق با استانداردهای بین‌المللی بوده و باید از طریق استخدام پرسنل مناسب و واجد شرایط برطرف شود.

۵. اغلب تناقض قابل توجهی در سطوح افشا در میان بخش‌های مختلف از گزارش سالانه وجود دارد.

۶. در چند دهه‌ی اخیر، غالباً سطح افشا، در یادداشت‌های توضیحی تا حدودی افزایش یافته‌است. همچنین ابعاد اندازه‌گیری توسط استانداردهای حسابداری مربوط به دارایی‌ها و بدهی‌ها یا سود و زیان اغلب پیچیده هستند و ممکن است بحث برانگیز باشد. لذا بر نتایج گزارش موثر است.

۷. شرکت‌های سهامی گزارش شده توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار و مبادلات سهام، فاقد ارزیابی و نظارت کافی هستند.

۸. نظارت مناسب برای اجرای استانداردهای تصویب شده توسط چارچوب‌های قانونی موجود، وجود ندارد.

۹. معمولاً تضاد بین گزارشگری مالی و مالیاتی می‌تواند چالش برانگیز باشد. کشورهای مختلف روش‌های متفاوتی را برگزیده‌اند: بعضی کشورها الزامات مالیاتی را مبنای تهیه صورت‌های مالی قرار داده‌اند. درحالی‌که گروهی دیگر از کشورها از آغاز استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اساس تدوین قوانین مالیاتی را بر مبنای استانداردهای حسابداری پایه گذاری کردند.

از سوی دیگر، پیامدهای اقتصادی به کارگیری استاندارد های بین‌المللی گزارشگری مالی از بعد مالیات و تاثیر بر بازارها به خصوص در شرایط رونق و رکود در کشورهای مختلف همیشه مورد چالش بوده‌است. در ایران، شرایط بازارها و زیر ساخت های لازم در بازار اوراق بهادار، بازار دارایی‌های زیستی، بازار ارز، بازار پول (نرخ سود)، بازار اوراق مشتقه چالش جدی در به کارگیری ارزش منصفانه است (رحمانی، ۱۳۹۳).

مسئله پیچیدگی استانداردهای بین‌المللی، از زمان آغاز روند اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی مورد بحث بوده‌است. شماری از مطالعات نشان می‌دهد که ماهیت پیچیده مجموعه کامل استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی چندین مشکل عملی، بویژه در اقتصادهای در حال توسعه را ایجاد می‌کند (آلپ و یوسداگ، ۲۰۰۹؛ وونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) بعلاوه، عدم تخصص فنی

<sup>1</sup> Wong



در حسابداری و حرفه حسابداری و کمبود دانش بالقوه در برخورد با استاندارد بین المللی بطور گسترده بیان شده است.

استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط یک نسخه با پیچیدگی کمتر از نسخه کامل تلقی می شود، اما از آنجایی که کاربران مورد نظر از استاندارد جدید نگران هستند. چندین بحث درباره ی عدم تجانس و سربار بودن استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط ایجاد شده است. برای نمونه، داشتن برخی مشکلات در پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی کامل در سال ۲۰۰۵ مشاهده شد، استرالیا درباره مسائلی که امکان دارد در طول روند اجرای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط بوجود آیند، بیشتر نگران بوده است (هئیت تدوین استانداردهای حسابداری استرالیا، ۲۰۱۰). روند تغییر از استانداردهای پذیرفته شده حسابداری یا استاندارد بین المللی گزارشگری مالی کامل به استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط ممکن است مشکلات خاصی به شیوه های تجارت و سیستم های سازمانی تحمیل کند، که اغلب تبدیل به نتیجه پرهزینه، پیچیده و طولانی مدت برای تطبیق دادن واحدهای تجاری کوچک می شود.

### مشکلات فنی اصلی در استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط

با توجه به مسائل فنی که با اجرای مجموعه کامل استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ادامه می یابد، سازمان توسعه و تجارت جهانی استدلال می کند که " اجرای عملی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی نیاز به ظرفیت های فنی کافی در میان سرمایه گذاران، حسابرسان، کاربران و مراجع نظارتی دارد" (سازمان همکاری توسعه و تجارت جهانی، ۲۰۰۷). اجرای عملی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط نیز می تواند چالش برانگیز باشد، زیرا محدودیت های ظرفیتی بازارهای مالی، مؤسسات و مراجع نظارتی در سراسر جهان متفاوت است. انجمن حسابداران خبره استرالیا<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) بر این باور است که مشخص کردن مدل های ارزیابی برای شرکت های کوچک و متوسط در تعیین ارزش متعارف ضروری است. چالش های فنی در الزامات اندازه گیری مبتنی بر ارزش متعارف در استاندارد بین المللی گزارشگری مالی یک مسأله مهم و نگران کننده است. بطور خاص، تفاوت در نقدینگی بازار

<sup>1</sup> ICAA



سرمایه و عدم دسترسی به اطلاعات اخیر بازار سرمایه مؤسسات اقتصادی مختلف می‌توانند مسائل چالش برانگیزی برای شاغلینی که به دنبال جایگزین کردن منابع اندازه‌گیری‌اند، باشد. برآورد دقیق و استفاده پایدار از اندازه‌گیری‌ها، چالش دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد (آپ و یوسدانگ، ۲۰۰۹؛ مالا و چاند<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲، سازمان همکاری توسعه و تجارت جهانی، ۲۰۰۷).

از دیگر مشکلات فنی که با پذیرش استاندارد بین‌المللی حسابداری برای شرکت‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود، استاندارد پیرامون هزینه‌های استقرای می‌باشد. در این استاندارد به شرکت‌های کوچک و متوسط اجازه داده می‌شود تا تمام هزینه‌های استقراض را به سود و زیان دوره وقوع منظور نمایند. انجمن حسابداران خبره استرالیا (۲۰۱۰) و موسسه کی پی ام جی<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) نگرانی خود را پیرامون اثر تغییر در اصول شناخت و اندازه‌گیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط در مالیات و سود توزیعی مطرح کرده‌اند. کی پی ام جی (۲۰۱۰) بر این باور است که تغییرات در مقدار مالیات قابل پرداخت (که تحت تأثیر تغییر در سود خالص و یا قانون مالیات ایجاد می‌شود) و توانایی در پرداخت سود سهام می‌تواند اثری از تغییر در شناخت و اندازه‌گیری استاندارد باشد. از همین رو، این موسسه بر برنامه‌ریزی برای کنترل اثرات و عوارض ناشی از پذیرش استانداردها برای شرکت‌های کوچک و متوسط اصرار دارد. انجمن حسابداران رسمی هنگ کنگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) نیز معتقد است "اگر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی کامل پذیرفته شود، نباید الزامات و دستورالعمل‌ها در آن برای شرکت‌های کوچک و متوسط در موارد مشابه با نسخه کامل در تضاد باشد".

در همین راستا انجمن حسابداران خبره استرالیا در نامه‌ای به هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری عنوان می‌کند که:

یکی از نتایج استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط این است که نیازهای گزارشگری بسیاری از واحدهای تجاری با پاسخگوی غیرعمومی بطور مؤثر حل‌شده‌نی نخواهد بود (انجمن حسابداران خبره استرالیا، ۲۰۱۴). با توجه به پیچیدگی و اختلاف نظرهای موجود؛ مطالعات قبلی نشان می‌دهد، در کشورهایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط را برگزیدند، دارای حق انتخاب جهت پذیرش استاندارد بین‌المللی یا اصول پذیرفته شده حسابداری هستند (استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

<sup>1</sup> Mala & Chand

<sup>2</sup> KPMG

<sup>3</sup> HKICPA



## چالش‌های پیش رو در پذیرش IFRS برای شرکت‌های کوچک و متوسط در ایران

در ایران سازمان بورس و اوراق بهادار ابلاغیه‌ای در سال ۱۳۹۲ منتشر نمود و تهیه صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای کلیه شرکت‌ها و نهادهای مالی ثبت شده نزد خود مجاز دانست. همچنین از سال ۱۳۹۵ کلیه شرکت‌های بزرگ پذیرفته شده در بورس را به تهیه صورت‌های مالی مبتنی بر این استانداردها ملزم کرد اما اینکه شرکت‌ها تا کنون چه میزان در تحقق این موضوع موفق بودند جای بحث دارد.

در رابطه با شرکت‌های کوچک و متوسط نیز می‌توان گفت که در ایران هنوز تعریف واحدی وجود ندارد و هر سازمانی تعریفی ارائه داده است. برای نمونه وزارت صنعت و معدن این شرکت‌ها را بنگاه‌هایی می‌داند که کمتر از ۵۰ نفر نیرو کار داشته باشند. این در حالی است که بنگاه‌های کوچک و متوسط از دیدگاه بانک مرکزی بنگاه‌هایی با کمتر از ۱۰۰ نفر نیروی کار فعال می‌باشند (سعادت، ۱۳۹۱). این تفاوت دیدگاه به ظاهر ساده اما تاثیرگذار سبب شده تا رویه واحدی وجود نداشته و پذیرش و اجرای کامل این استانداردها همانند شرکت‌های بزرگ با تردید روبرو باشد. آنچه که در نگاه اول به نظر می‌رسد این است که اکثر قریب به اتفاق چالش‌ها و مشکلات فنی پیش رو برای شرکت‌های کوچک و متوسط در جهان را باید برای این نوع بنگاه‌ها در ایران نیز متصور بود به علاوه از آنجایی که معمولاً در این بنگاه‌ها تصمیمات توسط یک فرد اتخاذ می‌شود و در اصطلاح به صورت انفرادی مدیریت می‌شوند پس پذیرش و یا رد استانداردهای مذکور بیش از آنکه مبتنی بر مسائل مطرح شده در بالا باشد، سلیقه‌ای است. از سویی دیگر عدم تمایل شرکت‌ها به تغییر، و تداوم روند گذشته حتی در صورتی که برای آن‌ها سودمند هم باشد موضوعی است که حداقل تا زمان الزامی شدن تهیه صورت‌های مالی بر مبنای این استانداردها در شرکت‌ها، قابل چشم‌پوشی نیست.

در نهایت همانطوریکه در تحقیقات پیشین درباره استانداردهای گزارشگری بین‌المللی برای شرکت‌های کوچک و متوسط مشهود است، پیاده‌سازی و پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای این شرکت‌ها مبهم به نظر می‌رسد. مشکلات مربوط به تغییر در شیوه گزارشگری و مسائل فنی ذاتی که در اصول شناخت و اندازه‌گیری استاندارد جدید وجود دارد، چالش بزرگی در جهت پذیرش تمام و کمال آن در جهت رسیدن به قابلیت مقایسه اطلاعات مالی در سطح جهان و خصوصاً ایران است.

## بحث و نتیجه گیری

هدف از این مقاله بررسی منتقدانه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، از جمله فرآیند توسعه و اجرای آنها بود. با استفاده از نظریه سودمندی برای تصمیم‌گیری و نظریه سلسله مراتب، پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای افزایش سودمندی برای تصمیم‌گیری و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی اطلاعات مالی شرکت‌های کوچک و متوسط در این مقاله بررسی شد. همانطوریکه براساس نظریه سودمندی برای تصمیم‌گیری پیشنهاد شد نیازهای یک چارچوب قانونی حسابداری از طریق نیازهای اطلاعات مالی کاربران برطرف می‌شود. اگرچه، تحلیل‌ها نشان داد که جهت‌گیری کاربران توسط هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری در طی فرآیند ارائه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط به اندازه کافی بیان نشده است. این موضوع نشان می‌دهد که هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری از یک مبنای نامشخص برای اصلاح و ساده سازی اصول استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی کامل و افشای الزامات برای شرکت‌های کوچک و متوسط تبعیت کرده است. براساس نظریه سلسله مراتب پیشنهاد شده، نهادها منابع مالی خود را در یک سلسله مراتبی به ترتیب اولویت از منابع داخلی تأمین مالی، ایجاد سرمایه با فروش سهام اولویت بندی کنند. بر طبق این نظریه، عدم تقارن اطلاعات بر انتخاب بین منابع مالی داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارد. تحقیقات گذشته بر این باور بودند که اجرا و پذیرش استانداردهای بین‌المللی نیازمند یک مکانیزم بین‌المللی برای پشتیبانی از آن است که فقدان آن، چالش‌هایی را برای پذیرش استاندارد بین‌المللی ایجاد کرده است. این موضوع در حالی است که بسیاری از کشورها استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط خود را با تغییرات و یا بدون تغییرات پذیرفته‌اند، اما هنوز تعدادی از کشورهای صاحب نام وجود دارند که باید این مجموعه استانداردها را بپذیرند.

بنابر موارد مطرح شده، می‌توان بیان داشت، اگرچه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط یک نسخه ساده سازی شده از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی کامل است، اما استفاده از این مجموعه استانداردها هنوز هم برای واحدهای تجاری کوچک و یا بسیار کوچک پرهزینه است. تفسیر واجد شرایط بودن واحدهای تجاری به منظور پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، خود جای بحث را ایجاد می‌کند. اگر "اندازه" بعنوان یک شاخص متداول برای جداسازی واحدهای تجاری کوچک و متوسط از شرکت‌های بزرگ استفاده شود، ممکن است به آشفتگی در میان واحدهای تجاری





در مورد واجد شرایط بودن آنها برای استفاده از این مجموعه استانداردها منجر شود. اما از آنجا که هزینه پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی (نسخه کامل) برای شرکت های کوچک و متوسط با اهمیت است، گفته می شود تهیه صورت های مالی تحت استاندارد جدید (تعدیل شده) برای شرکت های کوچک و متوسط می تواند این هزینه ها را کاهش دهد و به طور قابل توجهی مقرون به صرفه باشد. در حال حاضر شرکت های کوچک و متوسط، در بسیاری از کشورها صورت های مالی خود را بر اساس استانداردهای پذیرفته شده حسابداری تهیه می کنند، بنابراین انتقال از این استانداردها به استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط ممکن است با افزایش هزینه های آماده سازی صورت های مالی همراه باشد. هزینه های مرتبط با آموزش، تغییرات در سیستم حسابداری، تنظیم مجدد صورت های مالی و مشاوره های اضافی برای شرکت های کوچک و متوسط طاقت فرسا خواهد بود.

بنابراین بررسی دقیق اثر استانداردهای تجدیدنظر شده برای شرکت های کوچک و متوسط در مرحله شناخت و اندازه گیری نامشخص است. اجرای دو نسخه از استانداردهای گزارشگری بین المللی (استاندارد بین المللی گزارشگری مالی کامل و استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط) در شرایط یکسان ممکن است مشکلات خاصی برای واحدهای تجاری بوجود آورد. همچنین برخی از کشورها در مورد مسئله قابلیت مقایسه استانداردهای بین المللی با قوانین ملی نگرانی دارند، زیرا انتخاب یک گزینه از میان پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی کامل یا استانداردهای پذیرفته شده حسابداری یا استاندارد بین المللی گزارشگری مالی برای شرکت های کوچک و متوسط بر اساس الزامات یا صلاحیت ممکن است در آینده از نظر قابلیت مقایسه صورت های مالی چالش هایی را ایجاد کند. همه ی این ها گویای آن است که پذیرش استاندارد های بین المللی گزارشگری مالی بدون یک نقشه راه، می تواند در آینده خسارت هایی را در پی داشته باشد که بعضاً جبران ناپذیر است. لذا توصیه ی جدی محققین در حال حاضر، انجام پژوهش های عمیق تر برای رفع موانع به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به عنوان استانداردهای حسابداری ایران است (مهام و همکاران، ۱۳۹۰).

در نهایت با توجه به مطرح شدن موضوع پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در ایران پیشنهاد می شود :



۱. دولت کمیته‌ای را جهت نظارت بر نحوه پذیرش استانداردهای بین‌المللی برای شرکت‌های کوچک و متوسط ایجاد نماید تا به طور کامل بتواند هزینه-فایده پذیرش استاندارد بین‌المللی را برای این نوع شرکت‌ها برآورد کند.

۲. حسابداران، مدیران و حسابرسان شرکت نسبت به الزامات گزارشگری بر اساس این استانداردها آموزش لازم را دیده و درک کافی و مناسبی از اطلاعات مالی را برای دیگران ایجاد کنند. این موضوع در نهادهای دولتی، بخش‌های بانکی و ... از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳. سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان یک نهاد نظارتی، باید نحوه اجرا و پذیرش آن را در شرکت‌ها دنبال کند و از وقوع هرگونه انحراف از استانداردها جلوگیری نماید. این موضوع می‌تواند با ایجاد یک کارگروه تخصصی با قدرت اجرایی کافی محقق گردد.

## منابع و مآخذ

- ۱- رحمانی، علی (۱۳۹۳). بین‌المللی شدن بورس تهران بدون استاندارد های بین‌المللی گزارشگری مالی غیر ممکن است، نخستین ماهنامه بازار سرمایه ایران، ۱۱۱، ۶۵-۶۷.
- ۲- سعادت، محمدرضا (۱۳۹۱). لزوم ارائه یک تعریف واحد و جامع برای بنگاه های کوچک و متوسط، تارنمای شبکه ی اطلاع رسانی تولید و تجارت ایران.
- ۳- مهمام، کیهان؛ حیدرپور، فرزانه و آقای قهی، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی مزایا و معایب پذیرش استاندارد های بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان استاندارد های حسابداری ایران، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری، ۳، ۸۷-۱۰۵.
- ۴- ناطق، محمد (۱۳۸۵). نقش خوشه‌سازی در افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط با محوریت توسعه بازاریابی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

1.Alp, A., & Ustundag, S. (2009). Financial reporting transformation: The experience of Turkey. *Critical Perspectives on Accounting*, 20(5), 680-699.

2.Australian Accounting Standards Board (AASB) (2010). *Accounting alert 2009/09 — September AASB meeting*.  
[http://www.deloitte.com/view/en\\_AU/au/services/assurance/accountingtechnical/accountingalerts/9d1647259b4f3210VgnVCM100000ba42f00aRCRD.htm](http://www.deloitte.com/view/en_AU/au/services/assurance/accountingtechnical/accountingalerts/9d1647259b4f3210VgnVCM100000ba42f00aRCRD.htm).



3. Australian Accounting Standards Board (AASB). (2010). *Application of tiers of Australian accounting standards. AASB Standards*  
[http://www.aasb.gov.au/admin/file/content105/c9/AASB1053\\_06-10.pdf](http://www.aasb.gov.au/admin/file/content105/c9/AASB1053_06-10.pdf)
4. Chand, P., Patel, C., & Patel, A. (2010). Interpretation and application of “new” and “complex” international financial reporting standards in Fiji: Implications for convergence of accounting standards. *Advances in Accounting*, 26(2), 280–289.
5. Chen, J. (2006). Development of Chinese small and medium-sized enterprises. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 13(2), 140–147.
6. Dang-Duc, S. (2011). Compliance with accounting standards by SMEs in transitionaleconomies: Evidence from Vietnam. *Journal of Applied Accounting Research*, 12(2), 96–107.
7. Department of Innovation Industry, Science, and Research (DIISR) (2011). *Key statistics: Australian small businesses*.  
<http://www.innovation.gov.au/SmallBusiness/KeyFacts/Documents/SmallBusinessPublication.pdf>
8. Economist Intelligent Unit (EIU) (2010). *SMEs in Japan: A new growth driver?*.  
<http://www.managementthinking.eiu.com/smes-japan.html>.
9. EIM Business and Policy Research (2011). *Do SMEs create more jobs and better jobs?*.  
[http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sme/factsfiguresanalysis/performanceview/files/supporing-documents/2012/do-smes-create-more-andbetter-jobs\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sme/factsfiguresanalysis/performanceview/files/supporing-documents/2012/do-smes-create-more-andbetter-jobs_en.pdf)
10. Ernst, & Young (2010). *IFRS for small and medium entities: A comparison with IFRS-the basics*.  
[http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/IFRS\\_for\\_SMEs\\_Comparison/\\$FILE/IFRS\\_for\\_SMEs\\_Comparison.pdf](http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/IFRS_for_SMEs_Comparison/$FILE/IFRS_for_SMEs_Comparison.pdf) (accessed October 2012)
11. European Commission (EC) (2003). *The new SME definition user guide and model declaration*.  
[http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sme/files/sme\\_definition/sme\\_user\\_guide\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sme/files/sme_definition/sme_user_guide_en.pdf) (accessed August 2012)
12. European Commission (EC) (2012). *Small and medium-sized enterprises (SMEs): Accounting and SMEs*.  
<http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sme/businessenvironment/accounting/> (accessed August 2012).
13. Evans, L., Gebhardt, G., Hoogendoorn, M., Marton, J., Pietra, R. D., Mora, A., et al. (2005). Problems and opportunities of an international financial reporting standard for small and medium-sized entities: The EAA FRSC's comment on the IASB's discussionpaper. *Accounting in Europe*, 2(1), 23–45.
14. Fearnley, S., & Hines, T. (2007). How IFRS has destabilized financial reporting for UK nonlisted entities. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 15(4), 394–408.
15. Gibson, T., & Vaart, H. J. (2008). *Defining SMEs: A less imperfect way of defining small and medium enterprises in developing countries*.



<http://www.brookings.edu/research/papers/2008/09/development-gibson> (accessed August 2012)

16. Godfrey, J., Hodgson, A., Tarca, A., Hamilton, J., & Holmes, S. (2010). *Accounting theory* (7th ed.). John Wiley and Sons, 24.

17. Hong Kong Institute of Certified Public Accountants (HKICPA) (2011). *Response to draft Q&A on IFRS for SMEs: Comment letter to International Accounting Standards Board*. <http://www.hkicpa.org.hk/en/standards-and-regulations/standards/hkfrs-peinfo-centre/> (accessed January 2013)

18. IFRS Foundation (2014). *Analysis of the IFRS profiles for IFRS for SMEs*. <http://www.ifrs.org/Use-around-the-world/Pages/Analysis-of-SME-profiles.aspx> (accessed October 2014)

19. Institute of Chartered Accountants Australia (ICAA) (2012). *Is IFRS for SME a friend or a foe?*. <http://www.charteredaccountants.com.au/Industry-Topics/Reporting/Currentissues/SMEs/News-and-updates/Is-IFRS-for-SMEs-a-friend-or-a-foe.aspx> (accessed August 2012)

20. Institute of Chartered Accountants Australia (ICAA) (2014). *Exposure draft for the proposed amendments to the IFRS for SMEs: Comment letter to international accounting standards board*. <http://www.ifrs.org/IFRS-for-SMEs/ED-October-2013/Pages/Exposure-Draft-and-Comment-letters.aspx> (accessed October 2014)

21. International Accounting Standards Board (IASB) (2009a). *International financial reporting standards (IFRS) for small and medium sized entities (SME)*. <http://www.ifrs.org/ifrs-for-smes/Pages/ifrs-for-smes.aspx> (accessed August 2012)

22. International Accounting Standards Board (IASB) (2009b). *International financial reporting standards (IFRS) for small and medium sized entities (SME): Basis of conclusion*. <http://www.ifrs.org/ifrs-for-smes/Pages/ifrs-for-smes.aspx> (accessed August 2012)

23. KPMG (2010). *The IFRS for SMEs: Considering the alternatives*. <http://www.kpmg.com/CN/en/IssuesAndInsights/ArticlesPublications/Documents/IFRS-for-SMEs-O-201001.pdf> (accessed August 2012)

24. Kushnir, K. (2010). *A universal definition of small and medium enterprises: A procrustean bed for SMEs?* <http://blogs.worldbank.org/psd/a-universal-definition-of-small-enterprise-a-procrustean-bed-for-smes> (accessed September 2012)

25. Mala, R., & Chand, P. (2012). Effect of the global financial crisis on accounting convergence. *Accounting and Finance*, 52(1), 21–46.

26. Myers, S. C. (1984). The capital structure puzzle. *The Journal of Finance*, 39(3), 574–592.

27. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) (2005). *OECD SME and entrepreneurship outlook*. OECD Publication Service (<http://www.oecd.org/cfe/smes/oecdsmehandentrepreneurshipoutlook-2005edition.htm> [accessed September 2012]).



28. Public Works and Government Services Canada (PWGSC) (2011). *SME definition*. <http://www.tpsgc-pwgsc.gc.ca/app-acq/pme-sme/importance-eng.html> (accessed August 2012)
29. Reddy, M. (2007). Small business in small economies: Constraints and opportunities for growth. *Social and Economics Studies*, 56(1/2), 304–321.
30. Sharif Hossain, M; Hasan Salim; S (2015). Adoption of International Financial Reporting Standards in Bangladesh: Benefits and Challenges. *IOSR Journal of Business and Management*, 17, 16-24.
31. Small Business Corporation (SBC) (2009). *Definition of Korean SMEs*. <http://www.sbc.or.kr/sbc/eng/smes/definition.jsp> (accessed August 2012)
32. The Standards, Productivity & Innovation Board Singapore (2011). *Factsheet on new SME definition*. <http://www.spring.gov.sg/NewsEvents/PR/Documents/Fact Sheet on New SME Definition .pdf> (accessed August 2012)
33. Tyrrall, D., Woodward, D., & Rakhimbekova, A. (2007). The relevance of international financial reporting standards to a developing country: Evidence from Kazakhstan. *The International Journal of Accounting*, 42(1), 82–110.
34. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) (2007a). *Review of practical implementation issues of international financial reporting standards*. [http://www.unctad.org/en/Docs/c2isard37\\_en.pdf](http://www.unctad.org/en/Docs/c2isard37_en.pdf) (accessed September 2012)
35. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) (2007b). *Growing micro and small enterprises in LDCs: The “missing middle” in LDCs: Why micro and small enterprises are not growing*. <http://unctad.org/en/docs/poitetebd5.en.pdf> (accessed September 2012)
36. Wong, P. (2004). Challenges and successes in implementing international standards: Achieving convergence to IFRS and ISAs. *International Federation of Accountants* (<http://www.ifac.org> [accessed September 2012]).
37. Zhu, Y., Wittmann, X., & Peng, M. W. (2012). Institution-based barriers to innovation in SMEs in China. *Asia Pacific Journal of Management*, 29(4), 1131–1142.